

الفرقان الحق

کوشش نافرجام در تحریف قرآن

علی حسن نیا^۱



معرفی کتاب:

نام: The True Quran (الفرقان الحق) نویسنده: آنیس شوروش
ناشران: Omega2001 و wine press قطع: متوسط
تعداد صفحات: ۳۶۶ صفحه زبان: عربی و انگلیسی
موضوع: ۷۷ سوره ساختگی

مخالفت با قرآن کریم و تعالیم الهی آن از سوی اسرائیلی‌ها و مسیحیان و معاندان قسم خورده اسلام، مسئله جدیدی نیست و تاریخ بارها و بارها شاهد لجبازی و جهالت آنان بوده است؛ از آن زمان که در صدر اسلام گروهی به تحذی و مبارزه طلبی با آیات و سوره‌های الهی برخاستند و پیامبر ﷺ به وحی پروردگار بر آنان خواند که: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّثْلًا نَرَأُنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأُتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شَهِداءَ كُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ ضَادِقِينَ» (بقره/۲۳) و در صیانت از قرآن، چنین نازل شد: «إِنَّا نَحْنُ نَرَأُنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَخَافِظُونَ» (حجر/۹)، تا آن هنگام که گروهی از به ظاهر پیروان موسی و عیسیٰ ؓ، که به حسب اجبار یا به ظاهر و برای رسیدن به مال و منال، به اسلام گرویده و سعی نمودند با جعل و تحریف احادیث، حقایق قرآن را بپوشانند و عقاید کتاب‌های مقدس تحریف شده خود را منتشر کنند، و تا این زمان، یعنی در عصر علم و دین، که سرخورده‌گان و سرشکستگان از اسلام، همچون امریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و مسیحیان لجوج، هر روز دست به حیله‌ای تازه زده و

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث و تفسیر اثری در دانشکده علوم حدیث شهری.

متوسل به انواع دغل بازی می‌شوند تا به هر طریق، اسلام و مسلمانان را از سر راه بردارند و به این منظور آنان را منبع رعب و وحشت و فساد در دنیا و خود را مظہر لطف، محبت و صلح و آرامش بشریت و نمایندگان خداوند و مسیح صلی الله علیه و آله و سلم در کره خاکی و زمینه‌سازان ظهور متوجه آخر الزمان معرفی می‌کنند، همواره شاهد لجاجت و مخافت با قرآن عزیز بوده‌ایم. البته هیچ‌گاه از این لجیازی سودی نبردند و هر بار دست از پا درازتر مغلوب اعجاز این پیام جاودانی شدند، که «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ». (آل عمران ۵۴).

این بار نیز با حیله‌ای جدید تلاش نمودند تا قرآنی بسازند که گرچه از سبک و اسلوب آیه‌ها و سوره‌های کلام الهی الگو برداشته، اما محتوای آن کاملاً متضاد با قرآن کریم باشد و هر آن‌چه خود می‌خواهند، در آن بیاورند. خبر انتشار چنین نسخه‌ای از قرآن در بین مسلمانان، باعث شد تا ده‌ها عنوان عبارت در تیتر بسیاری از خبرگزاری‌ها و مقالات اسلامی و غیر اسلامی نمایان شود و مسلمانان را به واکنش شدید علیه مؤلفان و ناشران آن برانگیزد. برخی از این عنوان‌ین عبارت است از:

«انتشار قرآن قرن ۲۱ توسط آمریکایی‌ها!!»

«فرقان الحق، جوک قرن ۲۱

«قرآن آمریکایی: حیله‌ای خطرناک»

«القرآن الجديد»

«القرآن المزور»

«آيات شیطانية جديدة»

«الكتاب المقدس للقرن الحادى والعشرين!»

«كتاب السلام!»

«مصحف الأديان الثلاثة!!!»

«آيات شیطانية فی المصحف المزعوم»

«مجموعة إنجيلية مسيحية تؤلف كتاباً يتحدى القرآن»

«تحت غطاء محاربة الإرهاب في العالم: حملة إسرائيلية لتشويه القرآن والاسلام»

آن‌چه در ذیل می‌آید گفتاری است کوتاه درباره این کتاب جعلی و انتشار آن.

از آن‌جا که هیچ کتاب و مقاله‌ای در این باره وجود نداشت و یا دست‌کم در دسترس را قم این سطور نبود، سعی شد با بررسی متن این کتاب و مطالب مندرج در پایگاه‌های اینترنتی اسلامی و غیر اسلامی مشهور در این مورد، که البته به نظر می‌رسد انتشار این قرآن در دنیای وب بیشتر از جاهای دیگر باشد، نوشته زیر تقدیم گردد.

نگاهی به تاریخچه کتاب (مجله Gatra ش ۱۱، ۲۵ می ۲۰۰۲ م):

در سال ۱۹۹۹، قرآن جدیدی به نام «الفرقان الحق» که کاملاً با قرآن کریم در تضاد بود به شکل وسیعی در اینترنت و بعضی شبکه‌های مشهور همچون آمازون (www.amazon.com) که از معروف‌ترین شبکه‌های فروش کتب و مجلات است، مطرح شده و به فروش رسید. در آن زمان، کتاب به دو شخص موهوم و ناشناس به نام «الصفی....المهدی» منسوب بود که البته طبق نقل رایج، نام مؤلف این کتاب «د. آنیس شوروش» (Anis Shorrosh) می‌باشد که یک عرب یهودی است. آمازون نیز تصریح می‌کند که مؤلف «الفرقان الحق»، «آنیس شوروش» است.

او در این کتاب و در قالب چهار سوره به ذکر اباطیلی پرداخت که کاملاً منطبق بر عقاید مسیحیان و اهداف پلید اسرائیلی‌ها بود و به شدت مسلمانان را زیر سؤال می‌برد. چهار سوره مذکور از این قرار بود:

۱- سوره «الوصایا»

این سوره با حروف هجایی «المذ» شروع می‌شد و مشتمل بر امور مربوط به احکام شرعی بود، از جمله:

- حرمة تعليق الصور على الجدران
 - حرمة تربية الكلاب (آية ۸)
 - حرمة البدء بلبس النعل بالرجل اليسرى أولاً (آية ۹)
- بعضی از عبارات این سوره از این قرار است: «المذ إنا أرسلناك للعالمين بشيراً ونذيراً * تقضى بما خطر يفكرك وتتبرأ الأمور تدبيراً * فمن عمل بما رأيَتَ فلنفسه، ومن لم يعمل فلسوف يلقى على يديك جزاء مريراً...»

۲- سوره «المسلمون»

این سوره نیز با حروف هجایی شروع شده و از جمله در آن آمده است که:
«خداوند متعال پیامبرش محمد ﷺ را به هلاکت امتیش متهم کرده است و او بوده که باعث کافر شدن آنها شده است». «و محمد ﷺ را متهم می‌کند که توسط شیطان گمراه شده است».

۳- سوره «التجسد»

در این سوره آمده است که اسم اصلی عیسی «الله» است و «روح القدس» همان «الله واحد» است.

۴- سوره «الإيمان»

این سوره‌های چهارگانه در سال ۱۹۹۹ در بین مسلمانان انتشار یافت و برای اولین بار در پایگاه اینترنتی «آمریکا آنلاین» (www.americaonline.com) مشاهده شد.

معرفی الفرقان الحق:

«انیس شوروش» بعد از یک سال، «الفرقان الحق» را با مطالبی اضافه‌تر از کتاب قبلی خود، به عربی نگاشت. «الفرقان الحق» (The True Furqan) نام نسخه‌ای جدید از قرآن است که اخیراً در کویت توزیع شده و به قرآن قرن بیست و یکم شهرت یافته است. طبق گزارش خبرگزاری‌ها، در سال‌های اخیر آمریکا در صدد هدایت جهان و به خصوص جامعه اسلامی از طریق دیگر برآمده است. بخشی از این خدمت دایه مآبانه در کشور اسلامی کویت و در غالب چاپ قرآنی جدید به نام «الفرقان الحق» و پخش آن در میان کودکان مدارس خصوصی آموزش انگلیسی صورت گرفته است. البته گروهی نیز ارتباط آمریکا و اسرائیل را با تهیه و انتشار این کتاب انکار می‌کنند^۱ که شواهد فراوانی بر عدم صحّت گفته آنان وجود دارد و در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

کمیته نظارت بر تدوین و نشر و ترجمه این کتاب، بر اساس آن‌چه در مقدمه آن آمده، «الصفی....و المهدی» می‌باشد و گفته می‌شود که ترجمه انگلیسی آن توسط «المهدی» صورت گرفته است. آعراب مسیحی مقیم آمریکا و انجمن‌های تبشيری برای مبارزه طلبی با قرآن کریم با همکاری دو شرکت انتشاراتی آمریکایی به نام Omega 2001 و wine press آن را در قطع متوسط و در ۳۶۶ صفحه به صورتی که در هر صفحه متن عربی و ترجمه انگلیسی آن در مقابل هم قرار دارند منتشر کردند.

این به اصطلاح قرآن، شامل ۷۷ سوره است و به جای آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای هر سوره آن، عبارت «بسم الاب الكلمة الروح» (به نام پدر، کلمه، روح) آمده که اشاره به عقاید مسیحیان در مورد «تثلیث»^۲ است. برخی عناوین این سوره‌های ساختگی عبارت است از: الفاتحه،

۱- از آن جمله وزارت امور خارجه آمریکا است که در پایگاه خود، «پل ارتباطی ایران و آمریکا» آن را مطرح می‌کند. ۲- اعتقاد به سه خدا (پدر، پسر و روح القدس).

المحبة، المسيح، الثالوث، المارقين، الصلب، الزنى، الماكرین، الرعاة، الانجيل، الأساطير، الكافرين، التنزيل، التحريف، الجنة، الأضحى، العبس، الشهيد و... .

از ویزگی‌های این قرآن جدید می‌توان به تحریف آیات جهاد، نهی از تعدد زوجات و تردید در توحید الهی اشاره کرد. بسیاری از عقاید اسلامی در آن مردود شمرده شده یا وارونه جلوه داده شده است. در یکی از آیات آن، ازدواج با بیش از یک زن برابر با زنا دانسته شده و در آیات دیگر، طلاق و جهاد حرام و غیرشرعی خوانده شده است. همچنین در مورد ارث مطالبی بیان شده که مغایر با دستورهای اسلامی است. این کتاب حتی دامنه گستاخی را فراتر برده و به خداوند تبارک و تعالی و پیامبر اکرم ﷺ به صراحت اهانت نموده است. هدف اصلی بسیاری از آیات آن، مطرح کردن مسلمانان به عنوان نماد خشونت و تروریسم در دنیا می‌باشد.

این کتاب دارای مقدمه‌ای است از دو عضو کمیسیون نشر آن به نام‌های مهدی و صفائی. آنها در این مقدمه اعلام کرده‌اند که این کتاب را برای جهان اسلام و به خصوص اعراب نوشته‌اند! مقدمه این کتاب فراخوانی است به اختلاط عقاید و آزادی ادیان و به گمان مؤلفان آن، این کتاب برای انسان‌هایی است که به دنبال نور و هدایت بوده واعتقادی به تبعیض نژاد، رنگ، جنس، امت و یا دین ندارند. ضمن این‌که دعوت به مسیحیت تحریف شده و سه‌گانه‌پرستی به صورت آشکار نیز در آن مشاهده می‌شود. در این مقدمه چنین آمده است:

«إِلَيْ الْأُمَّةِ الْعَرَبِيَّةِ خَاصَّةً وَإِلَى الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَامَّةً يُوجَدُ فِي أَعْمَاقِ النَّفْسِ الْبَشَرِيَّةِ أَشْوَاقٌ لِلإِيمَانِ الْخَالِصِ وَالسَّلَامِ الدَّاخِلِيِّ وَالْحُرْبَيَّةِ الْرُّوْحِيَّةِ وَالْحَيَاةِ الْأَبْدِيَّةِ. وَإِنَّا نُنَقِّبُ بِالْإِلَهِ الْوَاحِدِ الْأَوَّلِ بِأَنَّ الْقُرَاءَ وَالْمُسْتَمِعُونَ سَيَجِدُونَ الطَّرِيقَ لِتَلْكَ الأَشْوَاقِ مِنْ خَلَالِ (الْفُرْقَانِ الْحَقِّ). إِنَّ خَالِقَ الْبَشَرِيَّةِ يَقْدِمُ هَذِهِ الْبَرَكَاتِ السَّمَاوِيَّةِ لِكُلِّ إِنْسَانٍ بِحَاجَةٍ إِلَى النُّورِ مِنْ دُونِ تَمْيِيزٍ لِعَنْصُرِهِ أَوْ لَوْنِهِ أَوْ جَنْسِهِ أَوْ لَغْتِهِ أَوْ أَصْلِهِ أَوْ أَمْتَهِ أَوْ دِيْنِهِ. فَاللَّهُ يَهْتَمُ كَثِيرًا بِكُلِّ نَفْسٍ عَلَى هَذَا الْكَوْكَبِ».

«تقديم به ملت عرب و همه مسلمانان جهان. در عمق وجود هر انسانی، برای رسیدن به ایمان حقیقی، آرامش درونی، آزادی معنوی و زندگی ابدی، اشتیاقی فراوان وجود دارد این متن (کتاب فرقان الحق) می‌تواند به این اشتیاق سمت و سو ببخشد....»

پایگاه اینترنتی «آمازون» که آخرین عنوانین کتاب‌ها در موضوعات مختلف را به فروش می‌رساند به تبلیغ این کتاب پرداخته و آن را قرآنی نوشته شده به شیوه جدید و منحصر به فرد خوانده است. همچنین در یکی از سایت‌های مسیحی چنین آمده است:

"It explains the loving gospel message of Jesus Christ in perfect classical Arabic and English . The True Furqan is a gift book to give to a Muslim"

(<http://www.messiahsgifts.com/products/b02.html>)

«کتاب "الفرقان الحق" هدیه‌ای است به همه مسلمانان. این کتاب، انجیل محبت، پیام عیسی مسیح، را به زبان‌های کلاسیک و کامل عربی و انگلیسی شرح می‌دهد.»
قیمت این کتاب در بازار تنها سه دلار است و تا کنون سه بار تجدید چاپ شده است. متن کامل آن در برخی از پایگاه‌ها همچون TRUTH_IN_CRISIS.COM، ISLAM_ENPOSED.ORG و MESSIAHSGIFTS.COM به صورت رایگان عرضه می‌شود که نشان از حجم وسیع توجه و اهمیت مؤلفان و حامیان آن به نشر و گسترش محتویات و عقاید مطرح شده در آن و نیز دور ساختن مردم و به ویژه مسلمانان از قرآن کریم دارد.

مؤلف:

الصفی که بر اساس آن چه در مقدمه کتاب آمده، به همراه المهدی بر تدوین، چاپ و نشر کتاب اشراف داشته است، نام موهوم شخصی است که در چند جای این کتاب در لابه‌لای آیات ذکر شده است؛ در سوره تنزیل، آیه ۴ و ۵ این‌گونه آمده: «ولقد أنزلنا الفرقان الحق وحیاء وألقیناه نورا فی قلب صفینا لیبلغه قولًا معجزاً بلسان عربی میین، مصدقًا لما بین يديه من الإنجيل الحق صنوا فاروقاً محققاً للحق، ومزهقاً للباطل، وبشيرًا ونذيراً للكافرين». باید پرسید: این وحی خیالی کی نازل شده؟! در کدام مکان؟! و بر چه کسی؟! صفاتی کیست که وحی بر او نازل شده؟! او کیست که هیچ شاهد تاریخی بر او گواه نیست؟!

در آخرین سوره، یعنی سوره شهید، آیه ۲ نیز آمده است: «واصطفیناه و شرخنا صدره للإیمان وجعلنا له عیناً تبصر وأذننا تسمع و قلباً يعقل، ولساناً ينطق، وأوحيناً إلیه بالفرقان الحق، فخطه في سبعة أيام وسبع ليالٍ جليداً». و عجیب‌تر آن که در آیات ۷ و ۸ همین سوره، ادعا شده که وی به دست مسلمانان به قتل رسیده است! «لقد طوعت لكم أنفسكم قتل صفينا شاهدين على أنفسكم بالكفر، أفقتيرون نفساً زكية، وتطمعون برحمتنا وأنتم المجرمون، لا جرم أنكم في الدنيا والآخرة أنتم الأخسرون، وختتمت بدمه آية تکوی بها جیاهکم وتشهد عليکم بأنکم کفرة مجرمون، وأنه الصفی الأمین، وأن الفرقان الحق هو کلمتنا وهو الحق اليقین، ولو كره الكافرون».

حقیقتاً او کیست؟!

نام او «د. انیس شوروش» است. در فلسطین و در روستای «نیزاریس»^۱، زادگاه عیسی

۱- Nazareth شاید نام همان قریه‌ای باشد که در چند کیلومتری اورشلیم واقع بوده و زادگاه حضرت عیسی طیلله آنجا

مسیح^{علیه السلام}، متولد شد (ر.ک. focusing-on-islam.com). پدرش به دست سپاهیان یهود به قتل رسید. به اردن مهاجرت کرد و تحصیلات خود را در دانشکده میسیسیپی (Mississippi college) دنبال نمود و قبل از دریافت درجه دکتری خود به «دانشکده الهیات بапتیس نیو ارلین» (New Orleans Baptist) ۱۴ Theological Seminary رفته و در آن جا ادامه تحصیل داد. وی موفق به دریافت دو درجه دکتری از دانشکده‌های America Institute of Ministry Dayton Tennessee و Seminary Luther Rice International شد. بعد از آن در سرزمین اشغالی قدس مبادرت به همکاری با یهود نمود که از آن جمله، فعالیت او در کنیسه اورشلیم بapتبیس (Jerusalem Baptist ۱۵) است. از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶ در یهودیه^۱ و سامریه^۲ بود تا این‌که به کشورهای آفریقایی همچون کنیا، کیستان و دورbon مسافرت کرد و سپس به نیوزیلند رفته و به فعالیت پرداخت. وی بعد از آن به انگلیس و از آن‌جا به پرتغال عزیمت نمود.

وی نویسنده کتاب‌هایی همچون یهود، پیامبری و خاورمیانه در شمارگان ۱۰۰۰۰۰ نسخه است و کتاب زندگی او و همسرش «نیل» (Nell) یعنی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها در شمارگان ۱۶۰۰۰ نسخه است.

مناظرات او با شیخ احمد دیدات (Ahmed Deedat):

از جمله مواردی که در زندگی وی برجسته به نظر می‌رسد، مناظراتش با شیخ احمد دیدات، عالم مشهور سنی و شخصیتی از جنوب آفریقا است که مباحثات و مناظرات او با مسیحیان و علمای آنان مشهور است و نویسنده ده‌ها عنوان کتاب همچون کتاب مقدس درباره محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} چه می‌گوید،^۳ است. این مناظرات که به دو مورد از آنها در ذیل اشاره می‌شود، نشان از قدرت مباحثه و سخنوری وی و وجهه مورد قبول او در میان عام و خاص مسیحیان دارد.

بار اول: سال ۱۹۸۵ در لندن با موضوع "آیا عیسیٰ خداوند است؟" و در حضور ۵۰۰۰ نفر.
بار دوم: در بیرمنگهام انگلستان با موضوع: "قرآن و انجیل؛ کدامیک سخن خداست؟" و در حضور ۱۲۰۰۰ نفر.

A Christians View Of Islam : Islam revealed : بعد از این دو مناظره، وی کتابی با عنوان:

۱- Judea: قسمتی از جنوب فلسطین بوده است. نقل شده است.

۲- Samaria: سامریه در فلسطین قدیم

۳- What the Bible Sayes about Muhammad: این کتاب هم اکنون توسط نویسنده این مقاله در دست ترجمه و نشر است.

Arabic تألیف نمود و در آن ادعا کرد که اسلام از هر پنج انسان در دنیا یک نفر را به قتل رسانده و در ادامه آن مناظراتش با شیخ دیدات را آورد. او اسلام را متهم به داشتن عقاید باطل و اشتباهات فراوان نموده و آن را دین رعب و وحشت معرفی می‌کند که به جنگ و خون‌ریزی دعوت می‌کند. سپس برای اثبات سخن خود به قرآن کریم استشهاد نموده و به مسلمانان توصیه می‌کند از قرآن خود دست برداشته و به «الفرقان الحق» روی بیاورند. او در مورد این قرآن می‌گوید: «هذا قرآن أجود. كتبته باللغة العربية الجيدة.»

انیس شوروش، پیامبر اسلام ﷺ را به داشتن ارتباط با شیطان و مسلمانان را به داشتن تمایل و علاقه به جنگ و ستیز متهم نموده و به دولت آمریکا توصیه می‌کند مسلمانان را از سرزمین خود بیرون کنند و به این وسیله مانع ورود وحشت و ترس به آن‌جا شوند و اضافه می‌کند که بعد از اخراج مسلمانان از آمریکا به خاورمیانه، تمام این منطقه باید با سلاح‌های اتمی منفجر و ویران شود. وی همچنین در مورد خود می‌گوید: «من یکی از هزاران نصرانی هستم که در هر شب شنبه فراخوانده می‌شود تا اسلام را از بین ببرد..»

شوروش این سخنان را در سخترانی خود در دانشکده هاستون (Huston) دو روز بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر بیان نمود (مجله Gatra شماره ۱۱، ۲۵ می ۲۰۰۲م).^۱

با این توصیف، دشمنی آشکار و بی‌حد او با اسلام و مسلمانان و خط‌گیری و حمایت از سردمداران آمریکایی و یهودی، به خصوص اربابان اسرائیلی خود، که در از بین بردن اسلام ناب محمدی از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند و خود را منجیان روی زمین تلقی می‌کنند، روشن می‌نماید که اقدام به عمل رشت تحریف آیات و سوره‌های قرآن کریم و انتشار آن در بین مسلمانان از جانب او دور از ذهن نیست.

برخی نظرات مطرح شده:

نحوه برخورد با این کتاب موهون و میزان توجه و نظری که دنیای غرب به خصوص جامعه علمی و تحصیل کرده مسیحی و یهودی به این قرآن ساختگی دارند در نوع خود جالب و تأمل برانگیز و البته از نظر مسلمانان آگاه، مضحك و غیرواقعی به نظر می‌رسد. برخی نظرات ارایه شده درباره این قرآن جعلی چنین است: (ر.ک. molaali.blogspot.com)

* Bapt.it press: «در طول ??? سال گذشته هیچ اثر ادبی خلق نشده که بتواند مانند فرقان الحق با قرآن مقابله کند.»

* دکتر مایکل براون، استاد زبان‌های سامی: «... کتابی بهتر از قرآن که به زبان عربی فصیح و زیبا و انگلیسی

* یکی از مجلات پروتستان: «پیام انجیل به روشنی در این کتاب دیده می شود».

* رئیس یکی از مدارس مسیحی در خاورمیانه: «فرقان الحق روش نوآورانه و منحصر به فرد برای انتقال حقایق انجیل به مسلمانان است».

در پایگاه اینترنتی Amazon، فرقان الحق این‌گونه معرفی شده است (ر. ک. www.amazon.com): «اگر می‌خواهید با اسلام یا مسیحیت آشنا شوید این کتاب را بخوانید، زیرا این کتاب قرآن جدیدی به نام پیام قرآن و انجیل را بایا هم پیوند می‌دهد». این پایگاه که آخرین عنوانین کتاب‌ها و مجلات را در موضوعات مختلف به فروش می‌رساند به تبلیغ این کتاب پرداخته و آن را قرأتی نوشته شده به شیوه جدید و منحصر به فرد خوانده است. همچنین در یکی از پایگاه‌های اینترنتی مسیحی به نام messiah Gifts که ستاره داود نیز بر بالای صفحه اصلی آن خودنمایی می‌کند! آمده است:

«کتاب True Furqan هدیدای است بد همه مسلمانان. این کتاب، انجیل محبت، پیام عیسی مسیح، رابه زبان کلاسیک و کامل عربی و انگلیسی شرح می‌دهد. این کتاب که سوره‌های شیوه سوره‌های قرآن است موضوعاتی مثل عشق، نور، ازدواج، صلح، روزه‌داری و نصاز رابه شیوه جدیدی توضیع می‌دهد» (ر. ک. www.messiahsgifts.com).

نظری به محتوا و برخی از عبارات آن:

گفته شد که این کتاب، با الگوبرداری از سبک و سیاق آیه‌ها و سوره‌های قرآن، دارای ۷۷ سوره ساختگی است. تنها نگاهی به نام‌های این سوره‌ها کافی است تا به اهداف و مقاصد مؤلفین آن پی ببریم. بروز دادن عقاید مسیحی و غیر دینی و مطرح کردن موضوعاتی که از دیرباز محور مخالفت و واکنش نشان دادن در مقابل اسلام بوده است در این نام‌ها کاملاً مشهود است:

سوره	ردیف	سوره	ردیف	سوره	ردیف	سوره	ردیف
الموسى	۶۱	المفترض	۴۱	الظاهر	۲۱	القاتحة	۱
البیت المقدس	۶۲	الصلوة	۴۲	العرائس	۲۲	المحبة	۲
طه	۶۳	الملوك	۴۳	الخطأ	۲۳	النور	۳
الأولى	۶۴	الظاهرات	۴۴	الناساء	۲۴	الإسلام	۴
آخرا	۶۵	الشيخ	۴۵	الزواج	۲۵	الإنسان	۵
الثاخرين	۶۶	الرحا	۴۶	الطلاق	۲۶	الحن	۶
الحاشم	۶۷	الشهادة	۴۷	الزنا	۲۷	التوحد	۷
الاصرار	۶۸	اللهوى	۴۸	الإنسانية	۲۸	التبسيع	۸
التشريع	۶۹	الإنجيل	۴۹	السمجرات	۲۹	الصلب	۹
التحريف	۷۰	النصرتين	۵۰	الستاقن	۳۰	الروح	۱۰
التأميين	۷۱	الحكم	۵۱	القتل	۳۱	الفرقان الحق	۱۱
الآلام	۷۲	الواحد	۵۲	الحزبة	۳۲	الثالوت	۱۲
الصحابية	۷۳	الكتاب	۵۳	الافتخار	۳۳	الموعظة	۱۳
الأنبياء	۷۴	الأخر	۵۴	الظاهرين	۳۴	النحواءين	۱۴
الآيات	۷۵	الأساطير	۵۵	الإباء	۳۵	الاعجاز	۱۵
الأشداء	۷۶	الجنة	۵۶	العصام	۳۶	القدر	۱۶
الشهداء	۷۷	السحر حسين	۵۷	الكتنز	۳۷	السارفين	۱۷
		الهبات	۵۸	الآباء	۳۸	المومنين	۱۸
		السر	۵۹	الماكرون	۳۹	النور	۱۹
		النفراء	۶۰	الآسين	۴۰	الصلاح	۲۰

تقسیم این کتاب به این صورت است که ابتدا مقدمه، سپس قسمتی به نام «البسمله»، آن‌گاه ۷۷ سوره کوتاه و بلند و در پایان قسمتی به نام «الخاتمه» آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اولین سوره آن به تقلید از قرآن کریم «الفاتحه» است، سپس المحبة، التور، السلام و... تا آخرین آنها «الشهید» که با آمین تمام می‌شود. در این کتاب شیطانی، به جای «بسم الله الرحمن الرحيم» عبارت «بسم الأَبِ الْكَلْمَةِ الرُّوحُ الْإِلَهُ الْوَحْدَ...» به کار رفته است و در اولین سوره آن آمده است: «مثلث التوحید موحد التثییث ما تعدد * فهو أَبٌ لَمْ يَلِدْ * كَلْمَةٌ لَمْ يُولَدْ * رُوحٌ لَمْ يَفْرُدْ * خَلَقٌ لَمْ يَخْلُقْ...»؛ که بیان‌گر عقیده تثییث به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسایل این کتاب می‌باشد.

با نگاهی به محتوای آیات شیطانی این کتاب، می‌توان اساسی‌ترین اهداف نویسنده آن را

این‌گونه برگشمردن:

(۱) تبلیغ و اثبات «تثییث»؛
(۲) معرفی مسیح صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان خاتم پیامبران و این‌که دین مسیحیت خاتم و اکمل همه ادیان است؛

(۳) اثبات دروغ بودن رسالت و نبوت بعد از عیسی صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دین اسلام و مشوش جلوه دادن چهره این دین مبین و پیروان آن؛

(۴) معرفی الفرقان الحق به عنوان قرآن حقيقة نازل شده به بشریت و دروغین بودن قرآن کریم؛

(۵) معرفی مسلمانان به عنوان محور شرارت و تروریسم جهانی.

در اینجا به مواردی از افتراءات و ارجایف این کتاب در حد اختصار اشاره می‌شود:

نویسنده این کتاب با الگوبرداری از سبک و سیاق آیات الهی و تحریف کلمات سعی کرده است آیات را طبق عقاید خویش بازنویسی کند؛ مثلاً در سوره ثالوث، آیه ۱۸ آمده است: «ومثل الذين كفروا وکذبوا بالإنجيل الحق أعملهم كرماد، اشتدت به الريح في يوم عاصف، لا يقدرون مما كسبوا على شيء ذلك هو الضلال الأكيد»، یا در سوره خاتم، آیه ۱۲ چنین نوشته: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ عِبَادِنَا هُنَّ أَنْتُمُ أُولَئِنَّ تَحْبِّونَ الَّذِينَ يَعْدُونَكُمْ، وَهُمْ لَا يَحْبُّونَكُمْ، إِذَا لَقُوْكُمْ قَالُوا: أَمْنَا بِمَا أَمْتُمْ إِذَا خَلُوا عَضْوَانِ عَلَيْكُمُ الْأَنْمَلِ مِنَ الْغَيْظِ، وَإِنْ تَمْسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ، وَإِنْ تَصْبِكُمْ سَيْئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا، وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَقَوَّلُوا لَا يَضُرُّكُمْ كِيدُهُمْ شَيْئاً، وَلَا يَضُرُّونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ». هم چنین در جایی دیگر آمده

است: «يا ايها الناس لقد كتم أمواتا فاحسناكم بكلمة الانجيل الحق... ثم نحييكم بنور الفرقان الحق». [١]

تبی مکرم اسلام در این کتاب به اوصاف قبیحی همچون افاسن منسوب می‌شود: «وَحَذَرْنَا عِبادَنَا الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَسُولِ أَفَاكَ تَبَيَّنُوهُ مِنْ بَيْنَاتِ الْكُفَّارِ، وَعُرِفُوهُ مِنْ ثَمَارِ أَفْعَالِهِ، وَكَشَفُوا إِفْكَهَ وَسُحْرَهِ الْمُبَيِّنِ، فَهُوَ رَسُولُ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ لِقَوْمٍ كَافِرِينَ» (انبیاء / ١٦). همچنین به حضرت لقب طاغوت داده شده و در سوره‌ای با همین نام آمده است: «أَفَرَأَيْتَمِ اللَّاتَ وَالْعَزِيزَ وَمَنَّا الْثَالِثُ الْأُخْرَى، إِنْ شَفَاعَتْهُنَّ لِتَرْجِى، وَكَلَمًا مَسَهُ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ زَجَرَهُ صَحْبَهُ فَأَخْفَى مَا أُبَدِى» (طاغوت / ٢٠٩).

همچنین این کتاب مملو از بدگویی و دشنامه‌های پی در پی علیه مسلمانان و توصیف آنان به بدترین اوصاف و الفاظ است که نشان دهنده حقد و کینه و دشمنی طراحان آن می‌باشد. جالب این که بسیاری از آن چه نویسنده به مسلمانان نسبت می‌دهد همان‌هایی است که در قرآن کریم به یهود و نصاری نسبت داده شده است. نام‌هایی همچون «ماکرین، امیتین، مفترین، طاغوت، کبائر، محرضین، بهتان و کافرین» که او بر سوره‌ها گذاشت، نشان دهنده کینه و حقد او نسبت به مسلمانان است. در این کتاب مسلمانان با اوصاف قبیحی همچون کفر، نفاق، افترا و... یاد می‌شوند: «لَقَدْ أَفْرَيْتُمْ عَلَيْنَا شَرَّ فَرِيهٍ، فَوَيْلٌ لِكُلِّ مُفْتَرٍ زَنِيمٍ، وَقَلْتُمْ أَمْنَا بِاللَّهِ وَبِمَا أُوتَى عِبَّاسِي مِنْ رِبِّهِ ثُمَّ تَلَوَّنُ مُنْكِرِينَ، وَمَنْ يَتَّبِعُ غَيْرَ مُلْتَنَا فَلَنْ يَقْبِلَ مِنْهُ وَهَذَا قَوْلُ الْمُنَافِقِينَ» (مسیح / ١٨-٢٢). «فَسِيمَا وَكُمْ كَفَرْ وَشَرَكْ وَزَنِي وَغَزوْ وَسَلَبْ وَسَبِيْ وَجَهَلْ وَعَصِيَانْ» (کبائر / ٣).

همچنین این کتاب، مسلمانان را متهم به ضلالت می‌کند «يَا أَهْلَ الضَّلَالِ مَنْ عِبَادَنَا لَوْ أَمْتَمْ بِهِ قَلْنَا فِي الْأَنْجِيلِ الْحَقِّ وَاهْتَدِيْتُمْ بِهِدِيَّهِ وَاسْتَنْرَتُمْ بِنُورِهِ، وَاتَّعْظَتُمْ بِسِمْعَطَتِهِ، لَكُنْتُمْ مِنْ عِبَادَنَا الْمُقْرَبِينَ» (مسیح / ٢٥). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عِبَادَنَا لَقَدْ جَاءَكُمُ الْفُرْقَانُ الْحَقِّ يَبْيَنُ لَكُمْ كَثِيرًا مَا كُنْتُمْ تَجْهِلُونَ مِنَ الْأَنْجِيلِ الْحَقِّ، وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» (صلب / ١). «فُرْقَانٌ أَنْزَلْنَاهُ نُورًا وَرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، وَمَا يَزِيدُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَّا نُفُورًا، إِذْ جَعَلَ الشَّيْطَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكْنَةً إِنْ يَفْقَهُوهُ، وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرَاءٌ، وَيَزِيدُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْأَنْجِيلِ الْحَقِّ مِنْ قَبْلِهِ نُورًا وَإِيمَانًا فَوْقَ إِيمَانِهِمْ، فَهُمْ لَا يَعْثَرُونَ» (فرقان / ١٣).

علاوه بر این، آنها را مشرک خطاب نموده و می‌گوید: «وَمَنْ أَكْفَرَ مِنْ أَفْتَرَ الْكَذْبَ وَأَشْرَكَ نَفْسَهُ بِنَا، وَزَعَمَ أَنَّهُ الْمُوْحَدُ، وَأَنْ عِبَادَنَا الْمُوْهَدِينَ هُمُ الْمُشْرِكُونَ» (ثالث / ٢١).

از جمله مواردی که در این کتاب سعی بسیار بر اثبات آن شده است، وحشی نشان دادن مسلمانان است. در آیه هفتم از سوره «اضحی»، مسلمانان، وحشی خوانده می‌شوند و در سوره «أساطیر» به انهدام کنیسه‌های یهودیان و کلیساها مسیحیان متهم می‌گردند. همچنین در سوره ساختگی «سلام» که دست‌کاری در آیات قرآن می‌باشد و تلفیق آن به شکلی است که مطابق با اهداف مؤلفان

این کتاب است، به چنین دروغ پردازی‌هایی بر می‌خوریم: «والذين اشتروا الضلاله وأكراهوا عبادنا بالسيف ليكفروا بالحق ويؤمنوا بالباطل أولئك هم أعداء الدين القيم وأعداء عبادنا المؤمنين».

معرفی دین اسلام به عنوان دین جنگ و شمشیر و مسلمانان به عنوان انسان‌های همواره جنگجو، حریه‌ای است علیه امت اسلامی تا آنان را منشاً رعب و ترویریسم جهانی و به خصوص حرکت‌های ترویریستی اخیر معرفی کنند. عوامل این کتاب در سوره موعظه، اسرار درونشان را آشکار می‌سازند؛ ترس از جهاد و رغبت به نشر فرهنگ تسلیم، ترس، ضعف و بردگی در سرزمهین‌های اسلامی؛ «وزعمتم بأننا قاتلوا في سبيل الله و حرضوا المؤمنين على القتال و ما كان القتال سبيلنا و ما كان لنحرض المؤمنين على القتال إن ذلك إلا تحريض شيطان رجيم لقوم مجرمين». هم چنین در سوره صلاح، از جنگ با کفار و برایت جستن از ملحدين و دشمنان نهی شده است: «يأيها الذين ضلوا من عبادنا هل نذلكم على تجارة تنجيكم من عذاب أليم تحابوا ولا تبغضوا وأحبوا ولا تكرهوا أعداءكم، فالمحبة سنتنا وصراطنا المستقيم.. وسکوا سیوفکم سکا ورما حکم مناجل ومن جنی أیدیکم تأكلون». در سوره جزیه نیز جنگ و جزیه حرام شمرده شده است: «زعمتم بأننا قاتلوا الذين لا يدينون دين الحق من الذين أوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون. يا أهل الضلال من عبادنا إنما دين الحق هو دين الإنجيل والفرقان الحق من بعده فمن ابتغى غير ذلك دينا فلن يقبل منه فقد كفر بدین الحق كفرا». و در جایی دیگر آمده است: «كم من فئة قليلة مؤمنة غلبت فئة كثيرة كافرة بالمحبة والرحمة والسلام»!

در سوره مسیح به مسلمانان تهمت نفاق زده شده است: «وقلتيم آمنا بالله وبما أوتي عيسى من ربها، ثم توليتمن منكريـن... ومن يبتـعـنـيـغـيرـ مـلـتـنـاـ دـيـنـاـ فـلـنـ يـقـلـبـ منهـ... وهـذاـ قولـ المـنـافـقـينـ». و با این مهملاـتـ، در واقع سخن خداوند را انکارکرده‌اند که می‌فرمایـدـ: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ إِلَّا إِنَّمَا مَنْ يَبْتَغِ مِنَ الْحُكْمِ إِلَّا أَنْ يَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران / ٨٥).

ایه ۱۵ از سوره مسیح خداوند را شیطان خطاب کرده و می‌گوید: «.. وقام منکم ناع ينعق بنقمة الباطل على الحق، وحدـدـ الكـفـرـ عـلـىـ الإـيمـانـ، وـنـصـرـةـ الشـرـ عـلـىـ الـخـيـرـ، فـكـانـ لـوـحـيـ الشـيـطـانـ سـمـيعـاـ». در موارد متعدد دیگری نیز این وصف را برای خداوند سبحان ذکر می‌کند: «والذين آمنوا بالإنجيل الحق وعملوا الصالحـاتـ، أولئك هـمـ خـيـرـ البرـيةـ، والـذـينـ كـفـرـواـ وـأـمـنـواـ بـالـشـيـطـانـ وـرـسـلـهـ أولئك هـمـ شـرـ البرـيةـ»؛ (اخـاءـ / ٨ـ). «يا أـيـهـاـ النـاسـ إنـماـ تـتـلـىـ عـلـيـکـمـ آـيـاتـ الشـيـطـانـ مـضـلـلـاتـ، لـيـخـرـجـکـمـ مـنـ النـورـ الـىـ الـظـلـمـاتـ، فـلـاـ تـتـبـعـواـ وـحـيـ الشـيـطـانـ، وـاتـخـذـوهـ عـدـوـاـ لـدـوـدـاـ» (اخـاءـ / ١٥ـ). «وـلـاـ تـطـيـعـواـ أـمـرـ الشـيـطـانـ وـلـاـ تـصـدـقـوهـ إـنـ قـالـ لـکـمـ كـلـواـ مـاـ غـنـمـتـ حـلـلاـ طـيـباـ وـاتـقـواـ اللـهـ إـنـ اللـهـ غـفـورـ رـحـيمـ» (صلاح). «ومـکـرـتمـ وـمـکـرـ الشـيـطـانـ وـالـشـيـطـانـ خـيـرـ المـاـکـرـيـنـ.. وـطـبـعـ الشـيـطـانـ عـلـىـ قـلـوبـکـمـ وـسـمـعـکـمـ وـأـبـصـارـکـمـ فـأـتـمـ قـوـمـ لاـ

تفقهون». (منافقین).

در جایی دیگر، در افترا بستن بر خداوند متعال گستاخی را به نهایت رسانده و می‌گوید: «لقد افتریتم علینا کذباً بأننا حرمنا القتال في الشهر الحرام ثم نسخنا ما حرمنا فحلتنا فيه قتالاً كبيراً».

در سوره جعلی توحید نیز آمده است: «ما كان لكم أن تجادلوا عبادنا المؤمنين في إيمانهم و تكفروهم بـكفركم فـسواء تـجـلـيـنا وـاحـدـاً أوـثـلـاثـةً أوـتـسـعـةً وـتـسـعـيـنـ فـلا تـقـولـوا مـا لـيـسـ لـكـمـ بـهـ مـنـ عـلـمـ وـإـنـأـعـلـمـ مـنـ ضـلـلـ عنـ السـبـيلـ وـدـرـ سـورـهـ صـلـبـ أـيـنـ چـنـيـنـ گـفـتـهـاـنـدـ:ـ إـنـمـاـ صـلـبـواـ عـيـسـيـ الـمـسـيـحـ أـبـنـ مـرـيـمـ جـسـداـ بـشـرـاـ سـوـيـاـ وـقـتـلـوهـ يـقـيـنـاـ...ـ كـهـ انـکـارـ قولـ خـداـونـدـ اـسـتـ كـهـ مـیـ فـرـمـاـيـدـ:ـ وـمـاـ قـتـلـوـهـ وـمـاـ صـلـبـوـهـ وـلـكـنـ شـبـيـهـ لـهـمـ» (نساء/ ۱۵۷).

در سوره ثالوث آمده است: «وَنَحْنُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ثَالِثُ فَرْدٍ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا شَرِيكَ لَنَا فِي الْعَالَمِينَ»، و در همین سوره با نهایت سفاحت، اسماء الحسنی و صفات علیای خداوند را انکار نموده‌اند: «إِنَّ أَهْلَ الضَّلَالِ مِنْ عِبَادَنَا الَّذِينَ اشْرَكُوا بَنَا شَرِكًا عَظِيمًا فَجَعَلُونَا تَسْعَةً وَتَسْعِينَ شَرِيكًا بِصَفَاتِ مُنْضَارِيَّةٍ وَأَسْمَاءِ الْأَنْسَنِ وَالْجَانِ يَدْعُونَنِي بِهَا وَمَا أَنْزَلْنَا بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ... وَافْتَرَوْا عَلَيْنَا كَذِبًا بِأَنَّا الْجَبَارَ الْمُنْتَقِمَ الْمَهْلَكَ الْمُتَكَبِّرَ الْمُذْلَلَ، وَحَشِّا لَنَا أَنْ نَتَصْفَ بِإِفْكِ الْمُفْتَرِينَ وَنَزَّهَا عَمَّا يَصْفُونَ...»، در حالی که در قرآن کریم آمده است: «وَلِلَّهِ الْأَنْسَانُ الْخَيْرُ فَإِذَا شُوِّهَ بِهَا» (اعراف/ ۱۸۰). «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيُّ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمِّيُّ الْغَيْرُ الْعَجَزَارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْخَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشَرِّكُونَ» (حشر/ ۲۳).

در کتاب سراسر کذب «الفرقان الحق»، به رسالت محمدی پیراهن اقرار نشده و آن را برداخته ذهن مسلمانان دانسته است؛ در سوره انبیاء، آیه ۱۶ آمده است: «وَمَا بَشَّرْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ بِرَسُولٍ مِّنْ بَعْدِ كَلْمَتَنَا، وَمَا عَسَاهُ أَنْ يَقُولَ بَعْدَ أَنْ قَلَّلَنَا كَلْمَةَ الْحَقِّ، وَأَنْزَلْنَا سَنَةَ الْكَمَالِ، وَبَشَّرْنَا النَّاسَ كَافَةً بِدِينِ الْحَقِّ، وَلَنْ يَجِدُوا لَهُ نَسْخًا وَلَا تَبْدِيلًا إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ». هم چنین به تکذیب قرآن کریم در کنار رسالت پیامبر پیراهن پرداخته است: «وَمَا نَزَّلْنَا عَلَيْكُمْ كِتَابًا، أَوْ سُورَةً، أَوْ آيَةً، وَلَا أُوحَيْنَا إِلَيْكُمْ قَوْلًا بِلْسَانٍ أَحَدٌ مِّنْكُمْ، وَمَا أَهْمَنَاهُ، وَلَكُمْ شَبَهٌ لَكُمْ فَصَدَقَتْمُوهُ، فَضَلَّلْتُمْ سَوَاءَ السَّبِيلَ» (تنزیل/ ۲). در جایی دیگر قرآن را به اسطوره‌های پیشینیان توصیف نموده است: «وَقَامَ مِنْكُمْ مَنْ اتَّحَلَّ أَسَاطِيرَ الْأُولَئِنَّ اَكَتَبَهَا وَأَمْلَيَتْ عَلَيْهِ، بَكْرَةً وَأَصِيلًا، وَهِيَ إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعْانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ أَخْرَوْنَ» (اساطیر/ ۲).

مؤلف این آیات شیطانی تا آن‌جا که می‌توانسته، از اسلام بدگویی نموده و آن را دین کفر، قتل و ضلال معرفی کرده است (هدی/ ۵). هم چنین این دین را دین لقیط^۱ خوانده است: «وَلَا تَغْلُبُوا فِي دِينِ لَقِيطٍ، وَلَا تَقُولُوا عَلَيْنَا غَيْرَ الْحَقِّ الْمَبِينَ» (فرقان/ ۲۹). و در اثنای کتاب به طور متعدد از الفاظ

۱-اللقیط: الولید الذي يوجد ملقي على الطريق لا يعرف أبواه (المعجم الوسيط، دار الدعوة، استانبول، ۱۹۸۹ م. ذیل حرف ل)، و در معنای عام امروزی یعنی «سر راهی».

«القتل، الغزو، الزنى، الفجور، اللواط، الكفر، النفاق، الضلال، الشيطان، وحى الشيطان، المكر» در توصيف اسلام استفاده نموده است.

در اين كتاب موهن، بهشت مسلمانان مكانی دانسته شده که همراه با زنا، قتل، شراب خواری، فساد و انجام بدترین کبایر می باشد؛ مثلاً در سوره کباشر، آيه ۱ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عِبَادَنَا الظَّالِمِينَ لَقِيَ جَعْلَتُمْ مِنْ جَنَاتِنَا مَا خَرَّ لِلْزُّنَافِ وَمُغَاوِرَ لِلْقَتْلَةِ وَمُخَادِعَ رَجْسِ لِلْزَانِيَّاتِ وَنَزَلَ دُعَارَةً لِلْسَّكَارِيِّ وَالْمُجْرَمِينَ». و یا در سوره روح آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ضَلَّوْا مِنْ عِبَادَنَا إِذَا سَئَلُوكُمْ عَنِ الرُّوحِ قَالَ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ. فَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ كَثِيرًا أَوْ قَلِيلًا وَمَا سَأَلْتُمْ أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ بَشَّرُوا بِالرُّوحِ قَبْلَ جَاهِلِيَّةِ مُلْتَكُمْ بِمِئَاتِ السَّنِينِ. وَإِذَا اسْتَشَهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ جَنَّةِ الزَّنَى فَقَدْ نَعِمْ كُفْرُ الرُّومِ قَبْلَكُمْ بِجَنَّةٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَلْبِسُونَ فِيهَا ثِيَابًا حَضِيرًا وَحَمْرًا مُتَقَابِلِينَ وَمُتَكَبِّلِينَ عَلَى الْأَرَائِكِ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانِ وَنِسَاءٍ بِخُمُورٍ وَلَحْمٍ طَيْرٍ وَمَا يَشْتَهِيُونَ وَهُمُ الْكَافِرُونَ. وَبَزْتَ جَنَّتَهُمْ جَنَّتُكُمُ الَّتِي اسْتَشَهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهَا فَرَحِينَ طَمْعًا بِمَا وَعَدْتُمْ بِهِ مِنْ زَنَى وَفَجُورٍ...».

از جمله موارد قابل تأمل در اين كتاب توجه به مسئله ازدواج و خانواده است. در چهار سوره نساء، زواج، طلاق و زنا، تعدد زوجات به زنا توصيف و طلاق حرام شمرده شده است. در سوره‌اي به نام طهر، طهارت با نجاسات و خباث و نکاح با زنا مساوی دانسته شده است: «وَمَا كَانَ النِّجْسُ وَالظُّمْتُ وَالْمَحِيْضُ وَالْغَائِطُ وَالْتَّيْمِمُ وَالنَّكَاحُ وَالْهَجْرُ وَالضَّرْبُ وَالطَّلاقُ إِلَّا كُومَةٌ رَكْسٌ لِفَظُهَا الشَّيْطَانُ بِلِسَانِكُمْ وَمَا كَانَتْ مِنْ وَحِينَا وَمَا أَنْزَلْنَا بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ». و در همین سوره، آمده است: «وَقَلْتُمْ إِفْكًا لَا تَقْرِبُوا الزَّنَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءً سَبِيلًا.. وَأَمْرَتُمْ بِاقْتِرَافِهِ مُثْنَى وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ أَوْ مَا مُلْكَتْ أَيْمَانَكُمْ، وَلَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ فَلَا يَحْلُّنَّ لَكُمْ مِنْ بَعْدِهِنَّ يَنْكِحُنَّ أَزْوَاجًا غَيْرَكُمْ». و در سوره زنا آمده است: «يَا أَهْلَ السَّفَاحِ مِنْ عِبَادَنَا الظَّالِمِينَ لَقَدْ دَفَعْتُمْ بِأَنفُسِكُمْ إِلَى الزَّنَى بِمَا طَابَ لَكُمْ مِنْ النِّسَاءِ مُثْنَى وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ أَوْ مَا مُلْكَتْ أَيْمَانَكُمْ فَعَارَضْتُمْ سَنَنَنَا فِي الإِنْجِيلِ الْحَقَّ بِأَنَّ مِنْ نَظَرِ لَأَنْتُمْ بَعْنَ الشَّهْوَةِ، فَقَدْ زَنَّا بِهَا فِي قَلْبِهِ السَّقِيمِ، وَمِنْ أَشْرَكَ بِزَوْجَةِ أُخْرَى فَقَدْ زَنَّا وَأَوْقَعَهَا فِي الزَّنَى وَالْفَجُورِ». متهم کردن اسلام به حقیر شمردن ارزش زن که همچون کالایی در بازار خرید و فروش می شود و نقل قوانین جدیدی درباره ارث، از جمله موارد دیگر مطرح شده در اين كتاب است: «وَهُنَّ حَرَثُ لَكُمْ تَأْتُونَ حَرَثُكُمْ أَنِّي شَنَّتُمْ ذَلِكَ هُوَ الظُّلْمُ وَالْفَجُورُ فَأَيْنَ الْعَدْلُ وَالْخُلُقُ الْكَرِيمُ؟ وَبِدَائِنَا خَلْقُكُمْ بِأَدْمَ وَاحِدَ وَحْوَاءَ وَاحِدَةَ فَتَوَبُّوا عَنْ شَرِكِ الزَّنَى وَوَحدُوا أَنفُسِكُمْ بِأَزْوَاجِكُمْ.. فَلَلزُوجُ الْذَّكَرُ الْوَاحِدُ زَوْجَةُ أَنْثَى وَاحِدَةٌ وَمَا زَادَ عَنْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.. فَالْمَرْأَةُ بِشَرْعِكُمْ نَصْفٌ وَارِثٌ فَلَلذَّكَرُ مِثْلُ حَظِّ الْأَنْثَيْنِ وَهِيَ نَصْفٌ شَاهِدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رِجْلَيْنِ فَرِجْلٌ وَامْرَأَتَانِ فَلَلرِجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرْجَةٌ، وَهَذَا عَدْلٌ

الظالمين.. و إذا خشيتم عليهن الفتنة غيره احتبسو هن بقولكم قرن فى بيوتكم ألا ساء حكم
الظالمين قرارا. فلأى سلعة تتبعون وأى بهيمة تقتلون وتسوسون؟»

موارد دیگری همچون پر و بال دادن به افسانه غرائیق و نسبت دادن آن به رسول خدا^{علیه السلام}،
نسبت دادن قصاص به دوران جاهلیت، ریا شمردن عبادت و نماز در مساجد و مکان‌های عمومی،
نفی نسخ در قرآن و ... نیز در این کتاب مطرح شده است که از ذکر آنها خودداری می‌گردد؛ «تعالی الله
عما يقولون علواً كبيراً».

منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم.

۲- مجله Gatra ش ۲۵، ۱۱ می ۲۰۰۲.

3- www.amazon.com.

4- www.americaonline.com

5- www.focusing-on-islam.com

6- www.molaali.blogsky.com

7- www.messiahsgifts.com

دیگر پایگاه‌های مراجعه شده در این نوشتار:

8- www.sharifnews.com

9- www.ahlulbayt.com

10- www.netkade.com

11- www.javannewspaper.com

12- <http://mehdis.com/tablu>.

13- Naghies.com

14- [\(برای متن کامل فرقان الحق\)](http://www.islam-exposed.org/furqan)

15- www.erfan.ir

16- [\(برای متن کامل فرقان الحق\)](http://www.servant13.net/furqan)

17- www.Bidary.com

18- [پایگاه عربی](http://www.al-balagh.net)

19- <http://www.ashraqalarabi.org.uk/center>